

## ارگ نشینان عیان و پنهان با چه می اندیشند ؟



محمد امین فروتن

پیوسته به گذشته قسمت نهم :

زمین میهن ما زیر قد مه‌ای که فقط چند روز قبل از آنسوی مرزها آمدند و بهترین جوانان این سرزمین را از تیغ یک انتقام جاهلانه کشیدند و کشتند بار دیگر لرزید ، و آسمان نیز که این همه خونهای جوانان نو رسته ای را نظاره میکرد آتشک میریزاند و درسوگ شهیدان مظلوم وطن کبود است ، بگذارید ببینیم که کدام رنگ و نیرنگ ها ست که چترچنین کبودی را بر آسمان « گنبد » کشیده است ؟ نه میتوانیم نخستین مسأله بحیث عامل و انگیزه ء اولیه این جنایت که ریشه تاریخی در مناسبات با کشوری که از همان آغازبنام پاکستان و با دکترین امنیتی ویژه ای در جغرافیای حوزه تمدنی ما تولد یافته است آغاز نکنیم و برای رسیدن به این هدف بزرگ نخست باید با صداقت اعلام کنیم که تا ابتدا با خود مان برنگردیم و پیش از همه از خود ننالیم و به مصداق این اندرز معروف و باستانی فرهنگ و ادبیات مان که « ازماست که برماست » به یک کالبدشگافی عمیق و توأم با جراحی همه جانبه و یکبارهء فرهنگی تن ندهیم نه میتوان در صف جوامعی بحساب آئیم که در امتداد تاریخ گذشته بشر بویژه در خیطه ای از جغرافیای مشرق زمین از ظرفیت های لازم برای ملت سازی و نهادی بنام دولت ملی و مسؤل در عرصه حقوقی و سیاسی بهره مند گشته اند . چه کسی نه میداند که امروز دشمنان صلح ملتها ، قدرتمندان و مستکبران داخلی ، سرمایه داران وابسته ، جنگ سالاران شبه مذهبی و دموکرات هیچگاه آرام نه نشسته و توطئه میکنند ؟ این درست است ، و این هم یک حقیقت اظهر من الشمس است که نظامیان پاکستان از بازمانده گان نسل گورکنان شیطان صفتی اند که استخوانهای تاریخ و فرهنگ باستانی افغانستان را در کوچه های خونین کشور ما به حراج گذشته اند . اما هیچ گاه قرار براین نبوده که روشنفکران مزد بگیر این مرزو بوم با اینکه از لحاظ علمی در سطح بسیار پائین هستند و از نظر فنی و فلسفی و دانش های گوناگون زندگی حتی در سطح شاگرد اروپا و امریکا هم نیستند فقط برویت فورمول « نصفُ لی و نصفُک » نه بصورت مشارکت در تمامی پروژه ای که در سرزمین افغانستان عملی میشود بلکه بصورت روز مزد و باساس فورمول « مُزد در برابر کار » در نشست های تلویزیونی و گردهم آئی های مفتکی و مصنوعی برای

کسب مشروعیت کاذب برای یک پروژه حضور می یابند . تاباشد که اگر روزی صحبت از «حلال و حرام !!» به میان آمد این روشنفکر مزد بگیر و نویسنده ای که در مزرعه ای از استراتژی بیگانه گان بویژه آنانی که میخواهند یکبار دیگر سرزمین افغانستان رانا خود آگاه و در بدل موجب ناچیزمادی تحویل کشورهای منطقه بالخصوص سازمان جهانی اطلاعات نظامی پاکستان واگذارکنند با منطق معیوب ومافیائی اش برعرقریزی های شبانه روزی وکسب«رزق حلال!» از پروژه انهدام کشورو تمدن باستانی ما مباحات و افتخار کنند !!

وقتی همین پروژه انتخابات «ریا» ست جمهوری افغانستان رامینگرید با آسانی درمی یابید که با روشن ساختن هر شبکه تلویزیونی ومطالعه هر روزنامه ای مافیای که اغلب شبکه های تلویزیونی و روزنامه های چاپی و الکترونیکی جاده صاف کن مشروعیت مافیای حاکم اند حتی به مثابه شهروند اصلی سرزمین افغانستان نه میتوانید وارد حوزه اساسی فرآیند انتخابات یا همان مؤلفه مشروعیت انتخابات شوید زیرا لزوماً فرآیند این مشروعیت در انطباق با ظرفیت های لازم سیاسی ، فرهنگی و اقتصادی که برای اجرای این پروسه باید اکیداً در نظر گرفته شوند باید مورد مطالعه قرارگیرند که با دریغ وتأسف در دموکراسی مافیائی افغانستان ورود به این حوزه بخشی از مناطق ممنوعه پروژه انتخابات محسوب میشود . اگر همین مطلب را بصورت روشن وواضح بیان گردد میتوان گفت که مسأله نیاز وضرورت اجرای انتخابات آزاد در شرائط کنونی محصول وطراوش اراده آزاد شهروندان قلمروی بنام افغانستان نیست ، البته تفاوت این دیدگاه با دیگر مخالفان انتخابات در این است که درست مانند این روی سکه که هیچکسی و هیچ تحلیلگرسیاسی اگر بروی معادلات حقوقی و علمی و بصورت آزاد به معادله برگزاریی انتخابات بنگردد در شرائط کنونی البته نه به دلیل تنها تعبیر از امنیت فزیکتی و جانی شهروندان بلکه با در نظر داشت معادلات و مفاهیم مهمی مانند **عدالت عمومی** ووظائف انجام ناشده ای که طی دوازده سال گذشته با دلایل پیدا و نا پیدا به انجام نرسیده است و این امر سبب گردیده تا به جوهر مشروعیت سیاسی آسیب وارد گردد لهذا قضاوت تحلیلگران و دانشمندان حقوق و علوم سیاسی برخلاف امروز که در بازار مکاره آورده شده اند و بروی مصلحت کیسه و جیب شان ، فضائل و کرامات انتخابات را موعظه می فرمایند ، اینگونه خواهد بود که در چنین وضعیت تاروتاریک جامعه افغانی ، برگزاریی انتخابات مصلحت ملی وبرخاسته از اراده فرد فردی از شهروندان سرزمین افغانستان نیست و نه میباشد . اما از اینکه برخی از دانشمندان و نویسندگان بزرگوار و ارجمند میهن ما مزد بگیران نظام مافیائی اند ناگزیر با پیروی از قول معروفی « **نوکر خان نه از باد نجان !!**» تن به اطاعت می دهند و در میز های گرد شبکه های رادیو تلویزیونی ، مطبوعات چاپی و الکترونیکی ، وغیره وسائل ارتباط جمعی ذکر خیر و از فضائل انتخابات را بیان می فرمایند .

داستان آن روی سکه یا هم قصه جنگجویانی که خون بیگناهان را توسط عملیات انتحاری مباح و ثواب اخروی میدانند و با تأسف آن عملیات انتحاری در برابر ده ها انسان بی گناه عملیات « استشهادی !!» در برابر یهودی ها و نصرانی های کافر نامیده میشوند و کودکانی که به دلیل نا بلاغت ونا پخته گی سن از هر نوع فرائض دینی معاف شمرده میشوند نخستین قربانیان این معرکه اند زیرا این عملیات خشن و ضد انسانی و ضد اسلامی انتحاری توسط کودکانی انجام میگردد که سن و عمر شان از ده تا پانزده سال تجاوز نه میکنند چنانچه گفتیم شنیدن این چنین قصه ها و داستان ها غم انگیز تر از شنیدن داستان های **الف لیلا** نیروهای به ظاهر روشنفکرانی است که « قصیده

فضائل و کرامات انتخابات !! « را در هر خطبه و هر منبری بیان و مؤظه می کنند و آنرا وسیله نجات انسان بالخصوص شهروندان افغان در هر دو جهان می شمارند !!

**ادامه دارد**